

## واکاوی غلبه نظام سیاسی بر نقش فرد در سیاست خارجی آمریکا در قبال مناقشه فلسطین (مطالعه موردی ریاست جمهوری بوش، اوباما، ترامپ و بایدن)

احسان اعجازی<sup>۱</sup>، سلمان رضوی<sup>۲</sup>

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

### چکیده

در دو دهه گذشته با وجود تغییرات حزبی در قوه مجریه ایالات متحده بین دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان شاهد نوعی اصول و مبانی در سیاست خارجی آمریکا پیرامون مناقشه رژیم صهیونیستی - فلسطینی بوده‌ایم. سؤال مقاله حاضر این است که آیا تغییر دولت‌های ایالات متحده منجر به تغییر در سیاست خارجی پیرامون مناقشه فلسطین- رژیم صهیونیستی می‌شود؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد با تغییر دولت‌ها در ایالات متحده، در ابتدا شاهد نقش بیشتر رئیس‌جمهور در مناقشه فلسطین- رژیم صهیونیستی هستیم، اما به تدریج نظام سیاسی ایالات متحده بر نقش رئیس‌جمهور غلبه پیدا می‌کند و سیاست خارجی آمریکا طبق روال گذشته ادامه می‌یابد؛ به طوری که نهادهای حکومتی پشتیبانی همه‌جانبه از رژیم صهیونیستی را در دستور کار خود قرار می‌دهند و با اعطای کمک‌های گوناگون روند صلح در غرب آسیا را مشکل‌تر می‌سازند. همچنین این نهادها در راستای مشروعیت‌سازی برای رژیم صهیونیستی، روند عادی‌سازی روابط این رژیم با کشورهای عربی را با جدیت تمام پیگیری کرده‌اند. این پژوهش بر اساس روش کیفی مطالعه اسناد و متون منتشرشده از سوی دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، آژانس‌های تخصصی ملل متحد و اندیشکده‌ها انجام شده است.

**واژگان کلیدی:** منازعه فلسطین- رژیم صهیونیستی، نظام سیاسی، جورج بوش، اوباما، ترامپ، بایدن.

۱. دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، رئیس دپارتمان فلسطین و رژیم صهیونیستی انجمن مطالعات غرب آسیا

(نویسنده مسئول). ehsanejazi95@gmail.com

۲. دکتری مطالعات منطقه‌ای گرایش آمریکای شمالی، دانشگاه تهران. zahedresearcher@gmail.com

## ۱. مقدمه

در طول دو دهه که از قرن بیست و یکم می‌گذرد، رابطه ایالات متحده با رژیم صهیونیستی همانند دوران گذشته از یک مدل خاص پیروی کرده است. در این دو دهه اخیر چهار سیاستمدار متفاوت آمریکایی به‌عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده انتخاب شده‌اند: جرج دبلیو بوش (۲۰۰۸-۲۰۰۰)، باراک اوباما (۲۰۱۶-۲۰۰۸)، دونالد ترامپ (۲۰۲۰-۲۰۱۶) و جو بایدن (۲۰۲۴-۲۰۲۰). در این دوران رؤسای‌جمهور آمریکا وعده حل و فصل مناقشه فلسطین- رژیم صهیونیستی را داده‌اند که تاکنون محقق نشده است. هر کدام از این رؤسای‌جمهور پیشنهادهای متفاوتی را برای حل و فصل این مناقشه به طرفین ارائه داده‌اند اما در هر دوره‌ای به دلایل متفاوتی این طرح‌ها به نتیجه خاصی منجر نشده است. جرج دبلیو بوش در ابتدای ریاست‌جمهوری خود به طرفین توصیه کرد که خود منازعه خاورمیانه را حل و فصل کنند اما پس از یازده سپتامبر، دولت بوش مستقیماً وارد منازعه شد و طرح موسوم به «نقشه راه» را به رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی ارائه داد. در سال‌های پایانی ریاست‌جمهوری جرج بوش، «کنفرانس آنابولیس» برگزار شد که درنهایت هیچ نتیجه عملی از آن به‌دست نیامد. روزهای آخر دولت بوش با جنگ ۲۲ روزه غزه همراه بود که از پشتیبانی ایالات متحده حتی در دولت اوباما برخوردار شد.

پس از جرج بوش، اولین سیاه‌پوست آمریکایی با «شعار تغییر» به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید آمریکا وارد کاخ سفید شد. در ابتدا اوباما پیشنهاد صلح خود را با دو شرط، نخست عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی به مرزهای ۱۹۶۷ و دوم توقف ساخت شهرک‌های صهیونیستی و تخلیه آنها از صهیونیست‌ها به طرفین ارائه داد که با واکنش منفی دولت صهیونیستی به نخست‌وزیری بنیامین نتانیاهاو روبرو شد. این طرح سبب شد که برخی خوش‌بینی ویژه‌ای نسبت به دولت اوباما پیدا کنند اما درنهایت این امید به یأس تبدیل شد. دولت اوباما از جنگ‌های ۸ و ۵۱ روزه علیه نوار غزه حمایت کرد و در ماه‌های پایانی حیات سیاسی‌اش قرارداد کمک‌های نظامی آمریکا به رژیم صهیونیستی به مبلغ ۳۸ میلیارد دلار در طول ده سال را به امضا رساند. دونالد ترامپ پیش از پیروزی در انتخابات

ریاست‌جمهوری، در مبارزات انتخاباتی خود وعده انتقال سفارت ایالات‌متحده از تل‌آویو به بیت‌المقدس را داد و حتی برخلاف اسلاف خود آن را اجرایی کرد. مقامات دولت دونالد ترامپ از شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی پشتیبانی کردند. این تجربه تاریخی نشان می‌دهد فارغ از اینکه چه شخصی و از چه حزبی (دموکرات یا جمهوری‌خواه) وارد کاخ سفید شود سیاست خارجی ایالات‌متحده آمریکا درخصوص مناقشه فوق از ثبات خاصی برخوردار است. با ورود جو بایدن دموکرات به کاخ سفید، سیاستمداران این حزب طرح خاصی را برای حل‌وفصل این مناقشه ارائه ندادند و تنها بر چند اصل کلی تأکید کردند: (۱) عدم پذیرش توسعه شهرک‌های صهیونیستی در گفتار و نادیده‌انگاری شهرک‌سازی در عمل؛ (۲) به رسمیت شناختن مرزهای ۱۹۶۷؛ و (۳) تأکید بر راه‌حل دو دولتی رژیم صهیونیستی - فلسطینی.

بنا بر آنچه که ذکر شد، این مقاله درصدد است به این پرسش اصلی پاسخ دهد که: آیا تغییر دولت‌های ایالات‌متحده سبب تغییر در سیاست خارجی آن نسبت به مناقشه فلسطین - رژیم صهیونیستی می‌شود؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با تغییر دولت‌ها در ایالات‌متحده، در ابتدا شاهد تغییر اولیه در سیاست خارجی این کشور (توسط رئیس‌جمهور) نسبت به مناقشه فلسطینی رژیم صهیونیستی هستیم اما به تدریج با روبرو شدن رؤسای‌جمهور با واقعیت‌های منطقه‌ای، بار دیگر کارویژه‌های نظام سیاسی ایالات‌متحده بر نقش فرد (در اینجا رئیس‌جمهور ایالات‌متحده) غلبه پیدا می‌کند و سیاست خارجی ایالات‌متحده طبق روال گذشته ادامه می‌یابد.

## ۲. مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

### ۲-۱. پیشینه‌شناسی تحقیق

در خصوص روابط رژیم صهیونیستی با ایالات‌متحده کتاب‌ها و مقالات متعددی منتشر شده است که در اینجا به شماری از آنها اشاره می‌شود:

تمرا بی‌اور در کتابی با عنوان «منازعه فلسطین و اسرائیل» (۱۴۰۱) که به زبان فارسی ترجمه شده است، تاریخچه‌ای از روند مناقشه بین فلسطینی‌ها و صهیونیست‌ها ارائه می‌دهد. او با توجه به نقش ایالات‌متحده در این مناقشه، تنها به جنبه‌های تاریخی مناقشه

پرداخته است. برخلاف این کتاب، پژوهش حاضر درصدد است تا به چرایی ادامه سیاست حمایتی ایالات متحده از رژیم صهیونیستی بپردازد، فارغ از اینکه چه فردی سکان ریاست جمهوری ایالات متحده را در دست دارد.

محسن محمدصالح در کتاب خود با عنوان «قضیه فلسطین» (۱۴۰۱) که از عربی به فارسی ترجمه شده است، برهه‌های تاریخی خاص درباره مسئله فلسطین و تأسیس رژیم صهیونیستی را بررسی می‌کند. فصل ششم این کتاب که بیشترین بخش را به خود اختصاص داده است، به رویدادهای تاریخ فلسطین از سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ می‌پردازد. اولین موضوع، انتفاضه دوم یا همان انتفاضه‌الاقصی است که در پی ورود شارون به مسجدالاقصی شعله‌ور شد. نویسندگان در این بخش از اهمیت انتفاضه دوم و نیز تأثیر آن در معادلات مربوط به فلسطین سخن می‌گویند. بنابراین در این کتاب به سیاست خارجی آمریکا در قبال مناقشه فلسطین توجه چندانی نشده است.

ایلان پایه در کتاب خود با عنوان «پاکسازی قومی فلسطین» (۱۳۹۶) تشکیل رژیم صهیونیستی را مرور می‌کند. او استدلال می‌کند که بین مهروموم‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۴۹، بیش از ۴۰۰ روستای فلسطین به عمد تخریب شد، غیرنظامیان قتل‌عام شدند و حدود یک میلیون مرد، زن و کودک با تهدید اسلحه از خانه‌های خود بیرون شدند. ایده اصلی کتاب این است که حرکت اجباری فلسطینیان به کشورهای عربی یکی از اهداف جنبش صهیونیستی و رژیم برآمده از آن بوده است (پایه، ۱۳۹۶). بدیهی است که در چنین کتابی سیاست خارجی ایالات متحده در قبال مسئله فلسطین مورد توجه قرار نگرفته است.

ایلان پایه در کتابی با عنوان «۱۰ غلط مشهور درباره فلسطین» (۱۴۰۱) که به زبان فارسی ترجمه شده است، این ادعا را که فلسطین در زمان اعلامیه بالفور سرزمینی خالی بوده است و همچنین شکل‌گیری صهیونیسم و نقش آن در دهه‌های اولیه ملت‌سازی در سرزمین‌های اشغالی را بررسی می‌کند (پایه، ۱۴۰۱). کتاب حاضر تنها به بررسی روایت‌های تاریخی درباره مناقشه فلسطین می‌پردازد و به سیاست خارجی آمریکا در قبال این مناقشه اشاره‌ای نمی‌کند.

دنيس رأس در کتابی با عنوان «محکوم به موفقیت: روابط اسرائیل-ایالات متحده از ترومن تا اوباما» (۲۰۱۵) به این نکته اشاره می‌کند که هر چند امروز پیوندهای بین رژیم صهیونیستی و ایالات متحده ناگسستنی هستند و آمریکا تعهدی آهنین نسبت به امنیت رژیم صهیونیستی دارد، اما از زمان تشکیل اسرائیل، روابط بین این دو همواره این‌گونه نبوده است. او به مواردی در دولت‌های آیزنهاور، نیکسون، بوش و اوباما اشاره می‌کند که در آن ایالات متحده از رژیم صهیونیستی فاصله گرفته است (راس، ۲۰۱۵).

رابرت بلک‌ویل و فیلیپ گوردون در کتابی با عنوان «بهبود روابط اسرائیل-ایالات متحده» (۲۰۱۶) هشدار می‌دهند که روابط آمریکا و رژیم صهیونیستی با مشکل روبرو شده است. به باور آنها سیاست‌های متفاوت آنها در قبال خاورمیانه و تغییرات سیاسی و جمعیتی در درون ایالات متحده و رژیم صهیونیستی سبب شده است تا این دو نسبت به گذشته فاصله بیشتری از هم بگیرند (بلک‌ویل و گوردون، ۲۰۱۶). در پژوهش حاضر فارغ از چپش جمعیتی در ایالات متحده و سرزمین‌های اشغالی، نظام سیاسی در ایالات متحده به‌عنوان عامل اصلی در ثبات در روابط بین ایالات متحده و رژیم صهیونیستی در نظر گرفته شده است.

دیوید تال در کتاب خود با عنوان «تشکیل یک ائتلاف» (۲۰۲۲) با نگاهی انتقادی منشأ و گسترش روابط بین رژیم صهیونیستی و ایالات متحده را بررسی کرده و روابط ویژه بین این دو را به آرمان‌گرایی، فرهنگ سیاسی و روابط استراتژیک نسبت می‌دهد. وی در این کتاب نشان می‌دهد که چگونه رؤسای جمهوری آمریکا، نخست‌وزیران رژیم صهیونیستی، مقامات دولتی دو طرف و حتی مردم عادی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند (تال، ۲۰۲۲).

خالد القندی در کتاب خود با عنوان «نقطه کور: آمریکا و فلسطین، از بالفور تا ترامپ» (۲۰۱۹) استدلال می‌کند که ایالات متحده با وجود سرمایه‌گذاری میلیاردها دلار و صرف ساعت‌های بی‌شمار فعالیت دیپلماتیک نتوانسته است صلح را در چارچوب راه‌حل دو دولت مستقل فلسطین- رژیم صهیونیستی در منطقه به وجود بیاورد (القندی، ۲۰۱۹). در این پژوهش تنها به تأثیر عامل سیاست داخلی ایالات متحده بر فرایند صلح پرداخته شده است و از پرداختن به دیگر عوامل پرهیز شده است.

## ۲-۲. مبانی نظری

رویکرد کشورهای مختلف در سیاست خارجی را می‌توان در سه سطح فردی، ساختار دولت و نظام بین‌الملل ارزیابی کرد. اگر کشوری نسبت به کشور دیگر سیاست تهاجمی و جنگ‌طلبانه در پیش بگیرد؛ آیا این سیاست را می‌توان ناشی از تصمیم‌گیری رهبران سیاسی آن کشور، ناشی از نظام سیاسی آن کشور و یا فشارهای نظام بین‌الملل دانست؟ از آنجایی که این مقاله به نقش فرد (رئیس‌جمهور ایالات متحده) و نظام سیاسی ایالات متحده در قبال مناقشه فلسطین و رژیم صهیونیستی می‌پردازد، در چارچوب نظری تنها به سطح تحلیل فردی و سطح تحلیل نظام سیاسی - حکومتی آمریکا پرداخته خواهد شد و از سطح تحلیل نظام بین‌الملل صرف‌نظر می‌شود. «دیوید سینگر» استدلال می‌کند که انتخاب یک سطح تحلیل از سوی یک فرد، مشخص می‌کند که آن فرد چه چیزی را مشاهده خواهد کرد و چه چیزی را نخواهد دید. سطوح تحلیل بر بازیگران، ساختارها و فرایندهای متفاوتی تأکید می‌کنند (ویوتی و کاپی، ۲۰۱۲: ۹-۱۰). جدول زیر این مسئله را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱. سطح تحلیل دیوید سینگر		
سطح فردی	سطح ملی / دولتی	سطح بین‌الملل
ذات انسانی / روان‌شناسی	ساختار نظام سیاسی	آنارشی
رهبران / نظام باوری	فرآیند تصمیم‌گیری	شمار قطب‌ها
شخصیت رهبران	ساختار نظام اقتصادی	توزیع قدرت
شناخت	افکار عمومی	الگوی اقتصادی
برداشت	ملی‌گرایی	سطح و پراکندگی فناوری
سوءبرداشت	فرهنگ سیاسی	الگوی ائتلاف‌های نظامی
	ایدئولوژی	سازمان‌های بین‌المللی
		حقوق بین‌الملل

«کنت والتز» به سه سطح متفاوت تحلیل (یا تصویر) اشاره می‌کند که عبارت است از:

(۱) ذات انسان،

(۲) ساختار نظام سیاسی،

(۳) ماهیت نظام بین‌الملل (برچیل و دیگران، ۲۰۰۹: ۲).

به عبارتی دقیق‌تر، «سطوح تحلیل» سطوحی انتزاعی است که بر اساس آن می‌توان دولت را برحسب اجزا و فرایندهای تشکیل‌دهنده‌اش به‌عنوان یک نظام مستقل مدنظر قرار داد (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۶۳۰). بر همین اساس «والری هادسون»<sup>۱</sup> تحلیل‌گر سیاست‌خارجی ایالات‌متحده، بازیگران دخیل در سیاست داخلی و خارجی آمریکا را در موارد زیر خلاصه کرده است:

(۱) شاخه اجرایی حکومت (قوه مجریه)،

(۲) شاخه قانون‌گذاری،

(۳) شاخه قضایی،

(۴) احزاب سیاسی،

(۵) ائتلاف‌های تجاری،

(۶) گروه‌های ذی‌نفوذ،

(۷) رسانه‌ها،

(۸) اتحادیه‌ها،

(۹) حکومت‌های ایالتی،

(۱۰) گروه‌های عمل سیاسی،

(۱۱) افراد پرنفوذ (مانند رهبر اکثریت سنا)،

(۱۲) جوامع معرفتی (مانند دانشمندان محیط‌زیست)،

(۱۳) گروه‌های مذهبی،

(۱۴) نیروهای تروریستی و جنایتکار (هادسون، ۲۰۱۴: ۱۴۵-۱۴۴).

در سطح فردی، عوامل روان‌شناختی فردی در شکل‌دهی سیاست خارجی نقش دارند که می‌توان به تأثیر برداشت‌های فردی، شناخت انسانی، شخصیت رهبری و پویایی‌های تصمیم‌گیری گروهی اشاره کرد. درباره این برداشت می‌توان چنین بیان کرد که رهبران، سیاست خارجی را بر اساس برداشت‌های خود و نه محیط عملیاتی واقعی تعیین می‌کنند. مطالعات «رابرت جرویس»<sup>۱</sup> نشان می‌دهد که رهبران فردی در تلاش‌هایی که برای تفسیر وقایع بین‌المللی و ارائه پاسخ‌های مناسب به آنها انجام می‌دهند، بر اساس فهم شخصی خود از تاریخ عمل می‌کنند. همچنین بر پایه روان‌شناسی شناختی انسان‌ها سادگی را بر پیچیدگی ترجیح می‌دهند و به دنبال سازگاری هستند و نه تضاد.

علاوه بر این، انسان‌ها نمی‌توانند برآوردهای خوبی از احتمالات داشته باشند و از شکست تنفر دارند. در واقع شناخت فرایندی است که انسان‌ها به وسیله آن اطلاعات جهان خود را گزینش و پردازش می‌کنند. همچنین یافته‌ها درباره شخصیت رهبری نشان می‌دهد که رهبران مختلف، پیش‌داوری‌ها و تمایل‌های خود را وارد ساختار اداری و تصمیم‌گیری می‌کنند. بر اساس همین دسته از یافته‌ها رهبرانی که تمایل بیشتری به قدرت دارند، تمایل طبیعی به سیاست خارجی تقابلی دارند، درحالی‌که آن دسته از رهبران که به اعتماد اجتماعی اهمیت بیشتری می‌دهند، به سیاست خارجی مصالحه‌جویانه‌تری روی می‌آورند (آران و آلدن، ۱۳۹۳: ۳۷-۳۱). تاکنون پژوهش‌های زیادی درخصوص ارتباط بین ماهیت سیاست خارجی و ویژگی‌های افراد دخیل در سیاست‌گذاری خارجی انجام شده است. همه این پژوهش‌ها در این فرضیه مشترک هستند که شخصیت بازیگران سیاسی به نتایج سیاسی در یک شرایط خاص شکل می‌دهد.

به‌طور مثال، «فرد گرینشتاین»<sup>۲</sup> موقعیت‌هایی را برمی‌شمارد که در آن شخصیت بازیگران سیاسی بسیار مهم به حساب می‌آید:

الف) زمانی که یک بازیگر سیاسی یک جایگاه استراتژیک را در اختیار دارد،

1 . Robert Jervis

2 . Fred Greenstein



ب) زمانی که وضعیت مبهم، ناپایدار و پیچیده است،  
 ج) زمانی که وضعیت احساسی و دارای اهمیت نمادین باشد،  
 د) زمانی که یک رفتار خودجوش مورد نیاز باشد (هار، ۲۰۱۰: ۹۶۸).

بنا بر دو سطح تحلیل نقش فرد و ساختار دولتی، می‌توان گفت که گاهی اوقات در نظام سیاسی ایالات متحده سخنرانی‌های رئیس‌جمهور (به‌عنوان نقش فرد) بر نظام دیوان‌سالاری (به‌عنوان ساختار دولتی) غلبه پیدا می‌کند. به باور «هنری کیسینجر» بسیاری از اظهارات عمومی رئیس‌جمهور ممکن است ظاهراً متوجه خارج از نظام اداری باشد اما آنها نقش زیادی در تعیین اصول کلی برای دیوان‌سالاران دارند. بر همین اساس، کیسینجر معتقد است که سخنرانی رئیس‌جمهور در حوزه سیاست خارجی همواره به یکی از مباحث اساسی در واشینگتن تبدیل می‌شود (گلجایر، ۱۳۹۵: ۸۳).

بر اساس دو سطح تحلیل فوق، این نوشتار به ارزیابی سیاست خارجی دولت جرج بوش، باراک اوباما، دونالد ترامپ و جو بایدن می‌پردازد و تأثیر ساختار سیاسی ایالات متحده بر سیاست خارجی هر کدام از این دولت‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. در واقع، در این نوشتار به این موضوع پرداخته خواهد شد که تأثیر عامل نظام سیاسی ایالات متحده بر مناقشه فلسطین- رژیم صهیونیستی از تأثیر نقش فرد رئیس‌جمهور بیشتر است.

### ۳. روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش بر اساس روش کیفی مطالعه اسناد و متون منتشر شده از سوی دولت ایالات متحده، اندیشکده‌ها و گزارش‌های تحقیقی رسانه‌ها انجام شده است. بر همین اساس سعی شده است «نقش فرد» و «ساختار سیاسی» در ایالات متحده بر روند سیاست‌گذاری این کشور پیرامون مناقشه فلسطین- رژیم صهیونیستی مورد واکاوی قرار بگیرد.

## ۴. یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

### ۴-۱. یافته‌های تحقیق

#### ۴-۱-۱. جرج بوش و منازعه فلسطین و رژیم صهیونیستی

از آنجایی که «جرج بوش» جزء فرقه «مسیحیان اوانجلیکال» آمریکا به شمار می‌رفت از نظر وی دفاع از حقوق بشر و بقای رژیم صهیونیستی، اهمیت فراوانی داشت. بوش بر این موضوع تأکید می‌کرد که دین بخش بنیادینی از شیوه فکری او را تشکیل می‌دهد (چودهوری، ۲۰۱۵: ۱۷۵-۱۷۴).

منتقدان سیاست خارجی ایالات متحده، جنگ عراق را «جنگی برای رژیم صهیونیستی» نامیدند و نومحافظه‌کاران را «متعهد به رژیم صهیونیستی»<sup>۱</sup> خطاب کردند (واکسمن، ۲۰۰۹: ۵)، اما باید به این نکته توجه کرد که با وجود تلاش‌های ایالات متحده در قبال این مناقشه در دهه ۱۹۹۰ (برژینسکی، ۲۰۱۱: ۶۶)، دولت آمریکا در دوران ریاست جمهوری بیل کلینتون و جرج بوش از یک‌سو از تشکیل یک دولت فلسطینی پشتیبانی کرد و از سوی دیگر با طرح‌های صلح پیشنهادی اعراب، سازمان ملل و اروپایی‌ها مخالفت کرد (زونس، ۲۰۱۴: ۸۴-۸۵). بوش در اظهاراتش در ۱۶ جولای ۲۰۰۷، برنامه خود برای صلح در خاورمیانه را بر پایه تشکیل یک دولت صلح‌طلب فلسطینی مطرح کرد که آن دولت فلسطینی برای رژیم صهیونیستی یک شریک خواهد بود (جویش ویرچوال لایبرری، ۲۰۲۳).

با این حال، دولت جرج بوش سعی کرد تا از طریق ابتکار «نقشه راه» به صلح میان فلسطین و رژیم صهیونیستی رنگ واقعیت ببخشد. بر اساس این طرح که در ژوئن ۲۰۰۳ از سوی جرج بوش ارائه شد، فلسطینی‌ها و صهیونیست‌ها متعهد می‌شدند تا در طی سه سال دست به اقداماتی بزنند که به تشکیل دولت فلسطینی منجر شود؛ اما این طرح به هدف خود که راه‌حل دو دولت مستقل فلسطینی- رژیم صهیونیستی بود، دست نیافت (اوترمن، ۲۰۰۵). باید در نظر داشت که راه‌حل دو دولت مدت زیادی است که از سوی

جامعه بین‌المللی (از زمانی که مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه ۱۸۱ در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ تصویب کرد که فلسطین را به دو دولت یهود و عرب تقسیم می‌کرد) مورد پشتیبانی قرار گرفته است (واکسمن، ۲۰۱۱: ۶۸). طبق نقشه راه، جرج بوش خواستار برآورده شدن این شرط بود که رهبری فلسطینی تغییر بیابد. همچنین «شارون» نامه‌ای از بوش دریافت کرد که در آن قید شده بود رژیم صهیونیستی مجبور نیست از شهرک‌های یهودی‌نشین در کرانه باختری عقب‌نشینی کنند و نباید انتظار داشت که آوارگان فلسطینی به خانه‌های پیشین خود در سرزمین‌های اشغالی بازگردند (هولیس، ۲۰۱۶: ۲۱).

در همین راستا دولت بوش پس از انتخاب «محمود عباس» به‌عنوان رئیس تشکیلات خودگردان در سال ۲۰۰۵، اقدام زیادی در جهت تقویت وی صورت نداد و این عامل در پیروزی حماس در انتخابات پارلمانی ژانویه ۲۰۰۶ مؤثر واقع شد (ون اورا، ۲۰۰۶: ۳۳). در این انتخابات، حماس ۷۴ کرسی از ۱۳۲ کرسی پارلمان فلسطین را تصاحب کرد. «کاندولیزا رایس» -وزیر خارجه بوش- پیروزی حماس را بخشی از یک فرایند دموکراتیک ارزیابی کرد اما زمانی که از جرج بوش پرسیده شد که دولت وی با حماس همکاری خواهد کرد یا خیر، وی از پاسخ دادن طفره رفت. وی بر این باور بود که یک حزب سیاسی که دارای یک شاخه نظامی باشد نمی‌تواند در فرایند صلح شرکت کند (زوگی، ۲۰۱۴: ۹۹).

کنگره ۱۰۹، به‌عنوان بخشی از ساختار سیاسی ایالات متحده، با تصویب «قانون ضد تروریسم فلسطین ۲۰۰۶» از یک‌سو از راه‌حل دو دولت پشتیبانی کرد و از سوی دیگر از دولت‌های دیگر خواست که حماس را به‌عنوان گروه تروریستی به رسمیت بشناسند (کنگره، ۲۰۲۳).

بوش در نوامبر ۲۰۰۷، سران چهل کشور همراه با «محمود عباس» و «ایهود اولمرت» را به آنابولیس در مریلند ایالات متحده دعوت کرد تا مذاکرات صلح را بار دیگر آغاز کنند (آروری، ۲۰۱۱: ۷)؛ اما کنفرانس آنابولیس که در سال آخر دولت بوش برگزار شد دستاوردی جز برگزاری یک نمایش ساده سیاسی و دیپلماتیک نداشت. با این حال، منطق کنفرانس آنابولیس در جهت موازی با نقشه راه قرار داشت. این کنفرانس بر اساس چهار اصل برگزار شد:

- (۱) فلسطینی‌ها و رژیم صهیونیستی باید به‌طور مستقیم با یکدیگر مذاکره نمایند،
  - (۲) مذاکرات صلح فلسطینی-رژیم صهیونیستی باید به مذاکرات عربی-رژیم صهیونیستی تعمیم یابد؛ به همین دلیل سوری‌ها و سعودی‌ها به این کنفرانس دعوت شدند،
  - (۳) پشتیبانی از «سلام فیاض» نخست‌وزیر فلسطینی،
  - (۴) بهبود روابط با فلسطینی‌ها در جهت کاستن از بدبینی‌ها (زوغبی، ۲۰۱۴: ۱۲۹)
- منتقدان این کنفرانس را کم‌اهمیت و فاقد تأثیر ارزیابی کرده و از آن به‌عنوان «نشست آنابولیس»<sup>۱</sup> یاد کردند (همان: ۱۲۹). همچنین این نشست اهداف دیگری نظیر آموزش پلیس فلسطین، ترغیب رژیم صهیونیستی جهت رفع موانع رفت‌وآمد فلسطینی‌ها در کرانه‌باختری و پشتیبانی مالی از تشکیلات خودگردان را پیگیری می‌کرد (آبرامز، ۲۰۱۳: ۳۹۰). با این وجود این نشست نتوانست تحقق این اهداف را تضمین نماید.
- با شروع جنگ ۲۲ روزه غزه، ناکامی کنفرانس آنابولیس بیشتر نمایان شد. حمله رژیم صهیونیستی به نوار غزه که از ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ آغاز شده بود، پس از ۲۲ روز تهاجم گسترده هوایی و زمینی ارتش رژیم صهیونیستی در اواسط ژانویه ۲۰۰۹ پایان یافت (ملکی و ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۱۹). رژیم صهیونیستی در این عملیات که «سرب گذاخته» نامیده شد، ۳۰ هزار گلوله توپ از زمین و هوا به مناطق پرجمعیت غزه شلیک کرد و به‌طور عمدی شهروندان غیرنظامی، خانه‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها، صنایع، مزارع کشاورزی، تأسیسات آبی و نیروگاه‌های برق را مورد هدف قرار داد. بر اساس گزارش سازمان ملل دو هزار و دویست فلسطینی در این حملات به شهادت رسیدند که سه‌چهارم آنها از شهروندان غیرنظامی بودند (بیش از ۵۰۰ کودک)؛ همچنین ۱۱ هزار خانه ویران شد (اسلیتر، ۲۰۱۵).
- به دنبال این عملیات، بوش در اظهارات خود در ۱۲ ژانویه ۲۰۰۹ خواستار آتش‌بس پایدار شد؛ به شرطی که حماس به راکت‌پراکنی خود پایان بدهد و مصر نیز از انتقال

تسلیمات به نوار غزه جلوگیری کند (جویش ویرچوال لایبرری، ۲۰۲۳). با این وجود، بوش در آن زمان خواستار نابودی حماس نبود.

در نهایت دولت بوش در حالی به پایان خود نزدیک می‌شد که راه‌حل دو دولت، مرزهای ۱۹۶۷ و انتقاد از شهرک‌سازی‌های رژیم صهیونیستی در چارچوب سیاست خارجی ایالات متحده در قبال این منازعه باقی ماند. با وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و ورود جدی‌تر آمریکا به مسائل خاورمیانه (حمله به افغانستان در ۲۰۰۱ و حمله به عراق در ۲۰۰۳) شاهد افزایش تأثیر نظام سیاسی آمریکا بر مناقشه فلسطین و ارائه طرح نقشه راه از سوی دولت جرج بوش هستیم.

## ۲-۱-۴. باراک اوباما و منازعه فلسطین و رژیم صهیونیستی

یکی از اصلاحات مدنظر «اوباما» در حوزه سیاست خارجی، تغییر رویکرد ایالات متحده نسبت به منازعه فلسطین- رژیم صهیونیستی بود. در این راستا، دولت باراک اوباما مترصد بود با برقراری صلح بین رژیم صهیونیستی و فلسطین، احساسات ضدآمریکایی را در سطح جهان کاهش دهد (دوئک، ۲۰۱۵: ۴۸)؛ زیرا احساسات ضدآمریکایی در دوره بوش به شدت افزایش یافته بود. از همین رو، در دوره اول ریاست جمهوری اوباما این دیدگاه تقویت شد که ایالات متحده در حال فاصله گرفتن از «رابطه‌ای خاصی»<sup>۱</sup> است که همواره بین ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی وجود داشته است.

اوباما در دوران رقابت ریاست جمهوری و ابتدای ورود به کاخ سفید تأکید مشخص و صریحی بر مرزهای ۱۹۶۷ و تشکیل دولت فلسطینی دارد. او همچنین بر دادن غرامت به آوارگان فلسطینی به جای بازگشت به فلسطین تأکید دارد. اما اوباما در سال‌های بعد نه تنها موفق به اجرای این اندیشه‌ها نشد؛ بلکه حتی مذاکرات رژیم صهیونیستی-فلسطینی نیز متوقف شده و رژیم صهیونیستی بی‌توجه به اوباما به شهرک‌سازی سرعت بخشیدند. اوج اختلافات اوباما و نتانیاهو درباره مناقشه فلسطین، عدم وتوی قطعنامه شورای امنیت در مورد شهرک‌سازی در روزهای پایانی دولت اوباما است. این سیاست اوباما را می‌توان ناشی

از تأثیر نظام سیاسی طرفدار رژیم صهیونیستی بر نقش فرد رئیس‌جمهور در خصوص قضیه فلسطین دانست (رضوی، ۱۳۸۸).

اوباما در طول ریاست‌جمهوری خود دست به اقداماتی زد که به «تقابل آشکار»<sup>۱</sup> آمریکا با رژیم صهیونیستی تعبیر شد:

(۱) سخنرانی اوباما در قاهره و ارتقای جایگاه مصر در نزد ایالات‌متحده به‌عنوان اولین متحدش در خاورمیانه،

(۲) تأکید بر توقف شهرک‌سازی‌ها از سوی رژیم صهیونیستی تا حدی که دیگر شاخصه‌های منازعه فلسطین - رژیم صهیونیستی در حاشیه قرار گرفت،

(۳) اوباما بین حل‌وفصل این منازعه با حل‌وفصل برنامه‌ای هسته‌ای ایران یک «پیوند موضوعی»<sup>۲</sup> برقرار کرد،

(۴) در اولین سفر خود به خاورمیانه با سران رژیم صهیونیستی دیدار نکرد،

(۵) ملاقات اوباما با نتانیاهو در سال ۲۰۰۹ در مقایسه با دیدار وی با سران کشورهای عربی در فضای سردتری برگزار شد،

(۶) تصویری از باراک اوباما منتشر شد که وی در هنگام صحبت تلفنی با نتانیاهو پای خود را بر روی میز قرار داده بود و این حرکت توهین به نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی تلقی شد (گیلبوآ، ۲۰۰۹: ۵۳-۵۲).

این اقدامات نشان از آن داشت که او در مقایسه با خلف خود، به‌صورت متفاوتی به نظام بین‌الملل می‌نگرد. همین نگرش به رژیم صهیونیستی باعث شد که اوباما در میان ساکنان سرزمین‌های اشغالی محبوب نباشد (گوئرلن، ۲۰۱۱: ۳۷۹). در واقع، او جزء معدود رؤسای‌جمهور آمریکا بود که به‌صراحت از حقوق فلسطینی‌ها پشتیبانی کرد (پرالتا، ۲۰۱۳): «حقوق مردم فلسطین برای حق تعیین سرنوشت و عدالت باید به رسمیت شناخته شود. خودتان را به‌جای آنها قرار دهید - با عینک آنها به جهان بنگرید. عادلانه نیست که یک کودک فلسطینی در یک دولت متعلق به خود بزرگ نشود، و در همه عمر خود با حضور

1 . Visible Confrontation

2 . Issue Linkage

یک ارتش خارجی زندگی کند که هر روز فعالیت‌های والدین او را کنترل می‌کند. عادلانه نیست که خشونت شهرک‌نشینان علیه فلسطینی‌ها بدون مجازات باقی بماند. درست نیست که مانع از کشاورزی فلسطینی‌ها در زمین‌های خودشان شد؛ یا توان یک دانش‌آموز (فلسطینی) را برای رفت‌وآمد در اطراف کرانه باختری محدود کنیم یا خانواده‌های فلسطینی را از سرزمینشان آواره کنیم. نه اشغال و نه اخراج جواب نیست.» (گرگس، ۲۰۱۳: ۳۱۳).

این نگرش به قضیه فلسطین همراه با جنگ ۲۲ روزه غزه که سبب خشم عمومی در جهان اسلام و عرب شد، اوپاما را واداشت تا به منازعه فلسطین- رژیم صهیونیستی توجه ویژه‌ای بکند؛ اما پیروزی نتانیاهو راست‌گرا در انتخابات سال ۲۰۰۹ و سال ۲۰۱۳ به موانع موجود بر سر راه صلح خاورمیانه افزود. نتانیاهو و هم‌حزبی‌هایش بر این باور بودند (و هستند) که رژیم صهیونیستی هیچ نیازی برای توافق با فلسطینی‌ها ندارد. ادامه ساخت‌وساز شهرک‌ها در کرانه باختری نشان از این عدم نیاز و علاقه دارد (همان: ۳۱۳).

در چنین شرایطی، نومحافظه‌کاران در ایالات متحده از سیاست اوپاما در برابر رژیم صهیونیستی به شدت انتقاد کردند تا جایی که یکی از آنها به نام «گری بوئر» از دولت اوپاما به‌عنوان ضد رژیم صهیونیستی‌ترین دولت در تاریخ ایالات متحده نام برد (دوره‌ام، ۲۰۱۱: ۶۱۲). با این وجود، اوپاما به‌صراحت گفت: «تعهد آمریکا به امنیت رژیم صهیونیستی غیرقابل‌نقض است» (ای.دی.ال، ۲۰۱۳). هرچند اوپاما سیاست متفاوتی در برابر رژیم صهیونیستی در پیش گرفت اما کمک‌های نظامی ایالات متحده به رژیم صهیونیستی با شدت بیشتری ادامه یافت. با وجود اینکه رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۴۸ تا ۲۰۱۵ حدود ۱۲۱ میلیارد دلار کمک مالی از ایالات متحده دریافت کرده، اما ایالات متحده هنوز به اعطای کمک‌های مالی و نظامی به رژیم صهیونیستی تعهد کامل دارد (هیکسون، ۲۰۱۶: ۴۵۰).

در دوره اوپاما، بزرگترین بسته کمک نظامی تاریخ ایالات متحده به رژیم صهیونیستی اعطا شد. این بسته مالی حاوی ۳۸ میلیارد دلار بود که با این مبلغ سهم هر رژیم صهیونیستی حدود ۴۵۰ دلار در سال است (امر و دیگران، ۲۰۱۷: ۶). «جان کری» وزیر خارجه دولت اوپاما در سپتامبر ۲۰۱۵ به این نکته اشاره کرد که از شروع ریاست‌جمهوری

اوباما، ایالات متحده حدود ۲۰ میلیارد دلار به رژیم صهیونیستی کمک نظامی کرده است. وی فهرست دقیقی از این کمک‌ها به شرح زیر ارائه کرد:

الف) سه میلیارد دلار برای تولید و استقرار باتری‌های سیستم دفاع موشکی «گنبد آهنین»<sup>۱</sup> و دیگر برنامه‌های دفاع موشکی رژیم صهیونیستی،

ب) اعطای جنگنده‌های اف ۳۵ به رژیم صهیونیستی<sup>۲</sup>،

پ) موشک‌های هوا به هوا،

ت) مهمات نفوذکننده به اعماق زمین (راجیو، ۲۰۱۶: ۵۷).

همچنین دولت اوباما از جنگ‌های هشت‌روزه (۲۰۱۲) و ۵۱ روزه (۲۰۱۴) حمایت کرد و از آن زمان به بعد فشاری بر رژیم صهیونیستی در جهت پذیرش مرزهای ۱۹۶۷ و تخلیه شهرک‌ها در کرانه باختری وارد نیاورد؛ حتی در جنگ ۵۱ روزه، ۲۲۰۵ فلسطینی - که ۱۴۸۳ نفر از آنها شهروند غیرنظامی و نیمی از آنها کودک و زن بودند - کشته شدند. به عبارت دیگر، ۶۷ درصد کشته‌شدگان فلسطینی، غیرنظامی بودند. در این جنگ ۵۰۰ هزار فلسطینی آواره شدند و حدود ۱۸ هزار واحد مسکونی فلسطینی تخریب شد (بوریس، ۲۰۱۵: ۱۱۱).

کنگره ۱۱۲ (۲۰۱۳-۲۰۱۱) با تصویب «قانون افزایش همکاری امنیتی بین ایالات متحده و رژیم صهیونیستی» در سال ۲۰۱۲ که به امضای باراک اوباما رسید، دولت آمریکا را ملزم کرد که از راه‌حل دو دولتی پشتیبانی کرده و به امنیت و برتری نظامی رژیم صهیونیستی در منطقه کمک کند و هرگونه قطعنامه در شورای امنیت که علیه این رژیم به رأی گذاشته می‌شود، وتو کند (کنگره، ۲۰۲۳). همچنین کنگره ۱۱۳ در سال ۲۰۱۴، «قانون مشارکت استراتژیک ایالات متحده - رژیم صهیونیستی»<sup>۳</sup> را به تصویب رساند که در نهایت به امضای رئیس‌جمهور رسید. بر طبق این قانون، دولت ایالات متحده موظف شده است تا همکاری

### 1 . Iron Dome

۲. رژیم صهیونیستی در دسامبر ۲۰۱۶ دو فروند جنگنده اف ۳۵ (از ۵۰ فروند سفارش داده شده) را از آمریکا دریافت کرد (سی.ان.ان، ۱۲ دسامبر ۲۰۱۶)

### 3 . United States-Israel Strategic Partnership Act of 2014



خود را با رژیم صهیونیستی در اکثر زمینه‌ها از جمله تجاری، کشاورزی، تکنولوژی و امنیت گسترش دهد. به‌عنوان نمونه، بر اساس این قانون نیز دولت آمریکا باید قابلیت‌های رژیم صهیونیستی را در تأمین امنیت مرزهای زمینی، دریایی و هوایی تقویت کند (کنگره، ۲۰۲۳).

### ۳-۱-۴. دونالد ترامپ و منازعه فلسطین و رژیم صهیونیستی

«ترامپ» در مبارزات انتخاباتی و پس‌از آن، بر اصل «اول آمریکا»<sup>۱</sup> پافشاری کرده است. این شعار سبب شد تا ترامپ آرای زیادی به‌دست بیاورد، اما یادآور رویکردهای ضد یهودیت و انزواگرایانه دوران جنگ جهانی دوم است (گویی، ۲۰۱۷: ۲). در همین راستا، او در ۱۱ دسامبر ۲۰۱۹ با صدور یک دستور اجرایی، دولت آمریکا را موظف به مبارزه با یهودی‌ستیزی کرد (جویش ویرچوال لایبرری، ۲۰۲۳). شیوه عملکرد دولت ترامپ بر چند اصل استوار بود:

(۱) عدم استقرار نیروهای نظامی در حد وسیع در خارج،

(۲) عدم دولت‌سازی در خارج از مرزها،

(۳) عدم اولویت دموکراتیزاسیون و حقوق بشر،

(۴) عدم تغییر نقشه سیاسی خاورمیانه (کلیمن، ۲۰۱۶: ۳۷۱).

حامیان ترامپ به شدت با مداخله نظامی ایالات متحده در خارج مخالف بودند، چراکه آنها نسبت به خارجی‌هایی که مداخله نظامی برای کمک به آنها صورت می‌پذیرفت، بی‌اعتماد بودند (لیون، ۲۰۱۶: ۱۴). باین‌حال، بسیاری از کارشناسان بر این اعتقاد هستند که بی‌احتیاطی در سیاست خارجی و بی‌ثباتی ژئوپلیتیک از جمله ویژگی‌های ریاست‌جمهوری ترامپ بود (لنوزکا، ۲۰۱۶: ۲). باید ذکر کرد که نقطه برجسته سیاست خارجی و استراتژی کلان دولت ترامپ غیرقابل‌پیش‌بینی بودن آن بود. همچنین ترامپ با رهبران سیاسی قدرتمند و کشورهای اقتدارگرا ابراز همدلی می‌کرد (لین، ۲۰۱۶: ۶).

با توجه به اینکه هر رئیس‌جمهور و هر دولتی در ایالات‌متحده مجموعه‌ای متفاوت از فرصت‌ها و موانع را بر سر راه رژیم صهیونیستی قرار می‌دهد، دولت ترامپ هم از این اصل مستثنی نیست؛ حتی ترامپ طرفداری شدید خود از رژیم صهیونیستی را پنهان نکرد. وی و دولتمردان صهیونیست بر مدیریت منازعه فلسطین- رژیم صهیونیستی و عادی‌سازی روابط میان رژیم صهیونیستی و کشورهای عرب محافظه‌کار همسایه‌اش تأکید کردند (کلیمن، ۲۰۱۶: ۳۷۶-۳۷۵). برای اثبات طرفداری خود از رژیم صهیونیستی، ترامپ در مبارزات انتخاباتی خود وعده داد در صورت پیروزی، سفارت ایالات‌متحده را از تل‌آویو به بیت‌المقدس منتقل می‌کند و درنهایت آن را اجرایی کرد. او پیش‌ازین، بیت‌المقدس را به‌عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی به رسمیت شناخته بود.

پیش‌بینی درباره سیاست‌های فردی که صحبت‌هایش در زمان مبارزات انتخاباتی با صحبت‌هایش پس از کسب مقام ریاست‌جمهوری تناقض دارد، بسیار دشوار است. با توجه به مصوبه کنگره ایالات‌متحده در سال ۱۹۹۵ مبنی بر لزوم انتقال سفارت ایالات‌متحده از تل‌آویو به بیت‌المقدس، می‌توان گفت اقدام دولت ترامپ برای انتقال سفارت آمریکا به بیت‌المقدس نشان‌دهنده اجرای سیاست‌های کلی نظام سیاسی آمریکا در رابطه با مناقشه فلسطین- رژیم صهیونیستی است. همچنین دولت ترامپ ادعا کرد که گسترش شهرک‌سازی کمکی به روند صلح نمی‌کند. در مذاکرات نتانیاهو با ترامپ، پس از برگزیده شدن ترامپ، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی شرایط لازم برای نیل به صلح را تشریح کرد. وی بر دو شرط رژیم صهیونیستی تأکید کرد:

الف) فلسطین، رژیم صهیونیستی را به‌عنوان یک دولت یهودی به رسمیت بشناسد،  
ب) رژیم صهیونیستی باید کنترل امنیتی کرانه باختری را در اختیار داشته باشد.  
(فریدمن، ۲۰۱۷: ۲۴۸-۲۴۷).

دولت ترامپ، برخلاف دولت‌های قبلی آمریکا، دو طرف منازعه را تشویق کرد که بر روی راه‌حل یک دولت یا راه‌حل دو دولت (بسته به توافق طرفین) دست به مصالحه بزنند. در صورتی که دولت‌های پیشین فقط بر راه‌حل دو دولت تأکید می‌کردند (همان: ۲۴۸-۲۴۷).

در نهایت دولت ترامپ در سندی ۱۸۱ صفحه‌ای مشهور به «معامله قرن» از طرح صلح خود برای فلسطین رونمایی کرد. در این طرح بسیاری از حقوق فلسطینی‌ها نادیده گرفته شد؛ به طوری که شهرک‌های صهیونیستی که صدها هزار صهیونیست در آن سکونت دارند، برچیده نمی‌شدند و جزئی از سرزمین‌های اشغالی باقی می‌ماندند. همچنین در این طرح پیش‌بینی شد که در صورت انجام اصلاحات توسط مقامات تشکیلات خودگردان، ۵۰ میلیارد دلار به فلسطین کمک مالی شود. علاوه بر این، طبق این طرح قرار بود که نوار غزه به کرانه باختری متصل شود (اعجازی و دیگران، ۱۳۹۹: ۷۹). زمانی که دولت ترامپ غرق در مشکلات سیاسی داخلی شد، او و همراهانش طرح معامله قرن را مسکوت گذاشته و با همکاری دولت نتانیاهو در صدد اجرای طرحی برآمدند که به «پیمان ابراهیم» مشهور شد. بر اساس این طرح سه کشور امارات، بحرین و مراکش با میانجیگری ایالات متحده پذیرفتند که روابط سیاسی و دیپلماتیک خود با رژیم صهیونیستی را برقرار سازند (فیرشتاین و دیگران، ۲۰۲۲). حمایت‌های ترامپ از رژیم صهیونیستی به حدی زیاد بود که مخالفین او در شبکه‌های اجتماعی او را «شاه رژیم صهیونیستی» توصیف کردند (سانتوچی، ۲۰۲۹).

#### ۴-۱-۴. جو بایدن و مناقشه فلسطین - رژیم صهیونیستی

از زمانی که جو بایدن وارد کاخ سفید شد، دولت دموکرات ایالات متحده هیچ‌گونه طرح مشخصی برای حل و فصل مناقشه فلسطین و رژیم صهیونیستی ارائه نداده است. در واقع، دولت بایدن رسیدگی به این مناقشه را در صدر اولویت سیاست خارجی خود قرار نداده است؛ اما جنگ غزه در سال ۲۰۲۳ (عملیات طوفان الاقصی یا شمشیرهای آهنین) و حمایت‌های بی‌دریغ سیاسی، مالی (دولت بایدن از کنگره درخواست کرده است کمک ۱۴ میلیارد دلاری در اختیار رژیم صهیونیستی قرار بگیرد) و نظامی دولت بایدن، تأثیر نظام سیاسی بر سیاست خارجی آمریکا در قبال مناقشه فلسطین را تداعی می‌کند. از جمله محموله‌های نظامی که در جنگ غزه ۲۰۲۳ توسط آمریکا به رژیم صهیونیستی تحویل داده شد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

(۱) موشک‌های پدافند گنبد آهنین،

(۲) تسلیحات هدایت‌شونده با جی.پی.اس،

(۳) بالگردهای سی.اچ.۵۳،

(۴) تانکرهای سوخت‌رسان کی.سی.۴۶ (همر، ۲۰۲۳).

بااین‌وجود، از میان مسائل حیاتی در خاورمیانه، مسئله یمن و برنامه هسته‌ای ایران از اهمیت بیشتری برای دولت بایدن برخوردار بوده است. دراین‌بین رئیس‌جمهور «بایدن» و «آنتونی بلینکن» وزیر امورخارجه‌اش، تنها بر سیاست قدیمی حزب دموکرات در این زمینه یعنی تأکید بر راه‌حل دو دولت مستقل تأکید کرده‌اند. آنها هنوز طرحی درباره موضوعات بسیار مهم نظیر وضعیت مرزها، وضعیت بیت‌المقدس، آوارگان، امنیت، آب و شهرک‌سازی در کرانه باختری ارائه نداده‌اند (یوسف، ۲۰۲۱). دو رویکرد عملی که دولت فعلی در قبال این مناقشه در پیش گرفته است، عبارت‌اند از:

الف) جلوگیری از وقوع جنگ بین رژیم صهیونیستی و گروه‌های مقاومت (جهاد اسلامی، حماس و حزب‌الله لبنان) و یا در صورت بروز درگیری، مدیریت و درنهایت پایان بخشیدن به آن،

ب) عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی، با اولویت‌بخشی به عربستان.

سیاست دولت بایدن این موضوع را به اثبات رساند که رژیم صهیونیستی به‌عنوان نزدیک‌ترین شریک استراتژیک ایالات‌متحده در خاورمیانه باقی خواهد ماند. هر دو ادعا می‌کنند که ایران تهدیدی برای آنها به‌شمار می‌رود و منتقد همیشگی پشتیبانی ایران از شبه‌نظامیانی نظیر حزب‌الله و حماس هستند. در همین راستا، دولت‌های متعدد در ایالات‌متحده، دولت بایدن نیز از آن مستثنی نیست، بر این اصل پافشاری کرده‌اند که فروش تسلیحات به دولت‌های خاورمیانه نباید بر برتری نظامی کیفی رژیم صهیونیستی تأثیری منفی بگذارد (رابینسون، ۲۰۲۳). با وجود اهمیت برتری نظامی رژیم صهیونیستی در منطقه، عربستان برای عادی‌سازی روابط خود با رژیم صهیونیستی شرایط خاصی را مطرح کرده است که تنها با موافقت این رژیم و کمک ایالات‌متحده محقق خواهد شد:

(۱) دریافت تضمین‌های امنیتی از واشینگتن،

(۲) توانایی خرید تسلیحات پیشرفته و دریافت آنها در یک زمان مشخص،

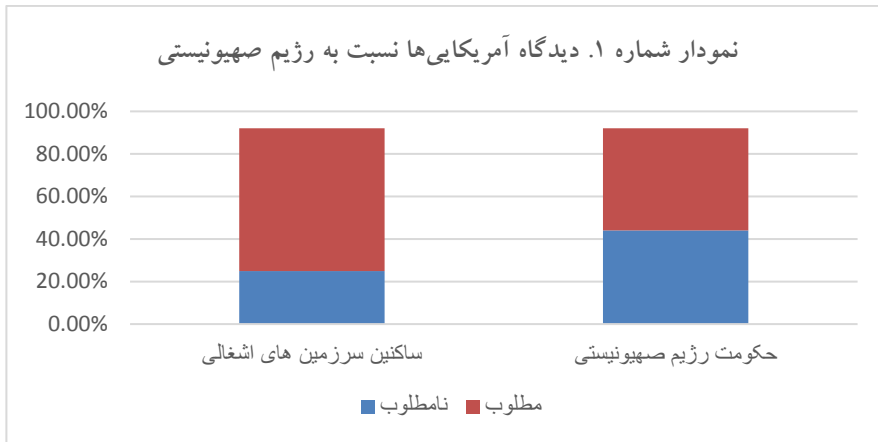
(۳) راه‌اندازی برنامه هسته‌ای غیرنظامی در خاک عربستان (هلو، ۲۰۲۳).

در شرایط فعلی، اوضاع و احوال سیاسی در سرزمین‌های اشغالی این فرصت را در اختیار دولت بایدن قرار نمی‌دهد تا سراغ ابتکارات قوی‌تری برای حل و فصل این مناقشه برود. در همین حال می‌توان برای راه‌حل دو دولت، جایگزین‌های کارآمدتری را در نظر گرفت از قبیل: ایجاد فدراسیون، (حاکمیت مشترک) کندومینیوم<sup>۱</sup> یا قیمومیت<sup>۲</sup> (اورن، ۲۰۲۳). با این وجود اگر دولت بایدن واقعاً به طرح دو دولت متعهد باشد باید با برداشتن گام‌های جدی به دو طرف مناقشه نشان دهد که دستیابی به چنین هدفی امکان‌پذیر است. در همین راستا دولت بایدن باید مانع آن شود که رژیم صهیونیستی واقعیت «یک دولتی» را از طریق گسترش شهرک‌سازی در کرانه باختری بر منطقه تحمیل کند. از آنجایی که ۶۰ درصد کرانه باختری تحت کنترل کامل رژیم صهیونیستی قرار دارد، دولت بایدن باید به حکومت نتانیاهاو فشار بیاورد تا سرزمین‌هایی را در اختیار تشکیلات خودگردان فلسطینی قرار دهد تا شهرها و شهرک‌های فلسطینی امکان رشد داشته باشند.

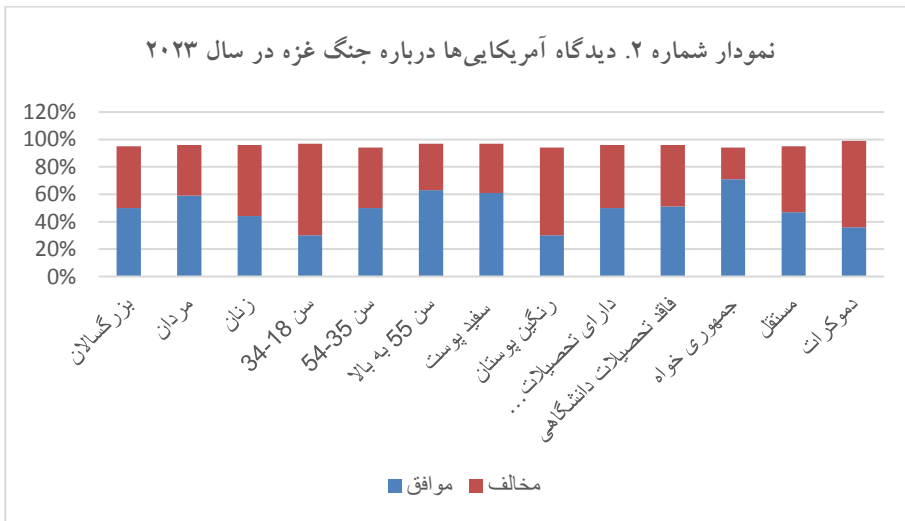
همچنین کاخ سفید باید در تلاشی بین‌المللی نهادهای تشکیلات خودگردان را تقویت کرده و ساختار درمانی و آموزشی، سیستم بانکی و سرویس‌های امنیتی آن را تقویت کند. در نهایت، دولت بایدن باید از کمک‌های مصر و اردن برای آغاز مذاکرات صلح بهره بگیرد (این‌دایک، ۲۰۲۳). با همه این خوش‌بینی‌ها نباید از یاد برد که بایدن مفتخر است که خود را یک «صهیونیست» توصیف کند و به‌طور کامل به حفظ وضع موجود متعهد باشد (ستلوف، ۲۰۲۳). نظرسنجی‌های اخیر نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها، نسبت به حکومت رژیم صهیونیستی، نگرش مثبت‌تری به مردم ساکن سرزمین‌های اشغالی دارند (دینش و سیلور، ۲۰۲۳):

1. Condominiums

2. Trusteeships

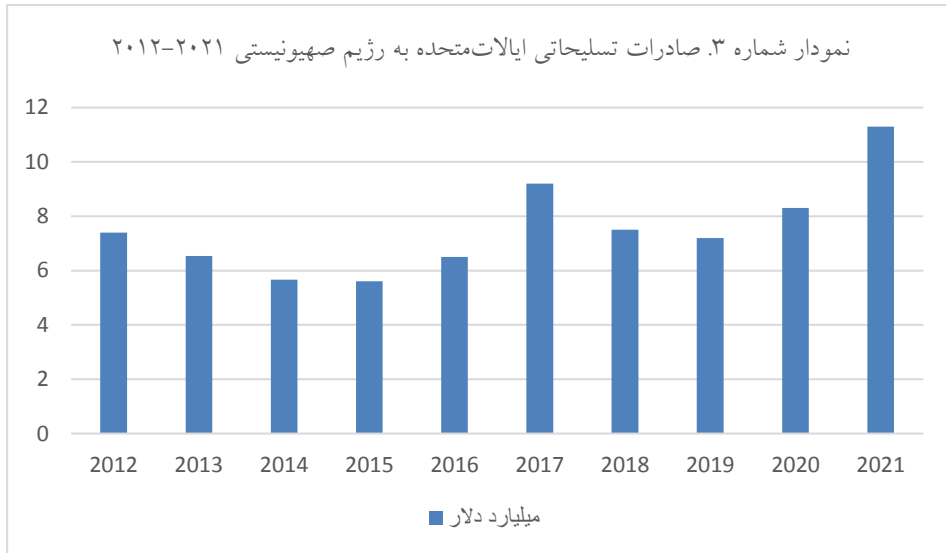


افکار عمومی نسبت به رژیم صهیونیستی، به‌عنوان بخشی از ساختارهای اجتماعی و سیاسی به رؤسای‌جمهور فشار می‌آورد تا سیاست‌خارجی‌ای را در قبال مناقشه فلسطین اتخاذ کند که منافع رژیم صهیونیستی در آن لحاظ شده باشد. البته باید توجه داشت که بر اساس نظرسنجی‌های اخیر درباره جنگ غزه (سال ۲۰۲۳) نسل جوان در ایالات‌متحده (۱۸ تا ۳۴) توجه بیشتری به حقوق فلسطینی‌ها داشته و نسبت به نسل قدیمی‌تر که از رژیم صهیونیستی پشتیبانی می‌کنند، از فلسطینی‌ها حمایت بیشتری به عمل می‌آورد (گالوپ، ۳۰ نوامبر ۲۰۲۳).



با وجود آنکه دو درصد از جمعیت آمریکا را یهودیان تشکیل می‌دهند، اما نزدیک به هفت درصد از اعضای کنگره ۱۱۸ (۲۰۲۳-۲۰۲۵) یهودی هستند (جویش ویرچوال لایبری، ۲۰۲۳). مجلس نمایندگان در کنگره ۱۱۸ پس از عملیات طوفان‌الاقصی «قانون اختصاص ضمیمه امنیتی رژیم صهیونیستی»<sup>۱</sup> را به تصویب رسانده است که بر طبق آن، در صورت تصویب نهایی، کمک ۱۴ میلیارد دلاری در اختیار این رژیم قرار خواهد گرفت که بخشی از آن برای تقویت پدافند فلاخن داوود، گنبد آهنین و گنبد لیزری هزینه خواهد شد (کنگره، ۲۰۲۳).

درنهایت، آمارهای مرتبط با صادرات تسلیحاتی سالیانه ایالات‌متحده به رژیم صهیونیستی که برای اجرا باید به تصویب کنگره هم می‌رسید، نشان می‌دهد که میزان این صادرات از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۱ (یعنی در دوران اوباما، ترامپ و بایدن) کمتر از ۵/۵ میلیارد دلار نبوده است (شارپ، ۲۰۲۳).



درنتیجه فارغ از دیدگاه سیاسی رئیس‌جمهور درباره سیاست‌های رژیم صهیونیستی، نظام سیاسی آمریکا به اعطای کمک‌های اقتصادی و به‌ویژه نظامی به این رژیم متعهد است.

## ۵. نتیجه گیری

سیاست خارجی ایالات متحده با توجه به تحولات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تغییرات تدریجی را تجربه کرده است. قدرت‌یابی لابی‌های صهیونیستی و پروتستان‌های حامی صهیونیست‌ها در آمریکا به موازات وقوع جنگ‌های جهانی اول و دوم و سپس تبدیل آمریکا به عنوان یک ابرقدرت سبب شده است تا روابط آمریکا- رژیم صهیونیستی به سطح روابط هم‌پیمانان استراتژیک برسد. با این وجود به دلیل تعارض و تداخل منافع آمریکا در خاورمیانه حمایت آمریکا از رژیم صهیونیستی به صورت مطلق و بدون قید و شرط نبوده است. به بیان دیگر، ساختار و منافع آمریکا همواره ایجاب می‌کرده که حمایت از رژیم صهیونیستی در چارچوب اصول و شرایطی مدون و نسبتاً ثابت دنبال شود. به نظر می‌رسد این فرضیه که با تغییر دولت‌ها در ایالات متحده، در ابتدا شاهد تأثیر فرد رئیس‌جمهور بر مناقشه فلسطین- رژیم صهیونیستی هستیم، اما به تدریج با روبرو شدن رؤسای جمهور با واقعیت‌های منطقه‌ای، بار دیگر کارویژه‌های نظام سیاسی ایالات متحده بر نقش فرد (در اینجا رئیس‌جمهور ایالات متحده) غلبه پیدا می‌کند و سیاست خارجی ایالات متحده طبق روال گذشته ادامه می‌یابد تا حدی به واقعیت نزدیک است. هر چند که اقدامات و سیاست‌های ترامپ تا حدی متفاوت و عجیب به نظر می‌آید اما وی نیز پس از یک سال از دوره ریاستش متوجه محدودیت‌ها و مشکلات فراروی خود شد.

از زمان تشکیل رژیم صهیونیستی با وجود مشکلات سیاسی بین ایالات متحده و این رژیم و نیز اختلافات طرفین درباره مسائل خاورمیانه، ایالات متحده تعهد خود را برای حفظ موجودیت رژیم صهیونیستی حفظ کرده است. یهودیان و صهیونیست‌ها چنان در ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، رسانه‌ای و نظامی ایالات متحده نفوذ کرده‌اند که در عمل گسستن پیوندها بین دو طرف به امری تقریباً غیرممکن تبدیل شده است. در واقع ساختار سیاسی در ایالات متحده و رژیم صهیونیستی دو روی یک سکه هستند؛ چرا که می‌توان نفوذ یهودیان را در قوای مجریه، مقننه و قضاییه آمریکا مشاهده کرد. به این ترتیب، به نظر می‌رسد که در شرایط کنونی ایالات متحده، فارغ از اینکه چه



فردی و از چه حزبی رئیس‌جمهور شود، چندین سیاست کلان را در قبال رژیم صهیونیستی پیگیری خواهد کرد:

- (۱) تقویت تجهیزات و سامانه‌های نظامی رژیم صهیونیستی،
- (۲) همکاری گسترده اطلاعاتی با رژیم صهیونیستی،
- (۳) دفاع از رژیم صهیونیستی در شورای امنیت،
- (۴) تقویت روابط رژیم صهیونیستی با دیگر قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای،
- (۵) مشروعیت‌سازی برای رژیم صهیونیستی از طریق کمک به عادی‌سازی روابط آن با کشورهای اسلامی به‌خصوص کشورهای عربی،
- (۶) به حاشیه راندن مسئله فلسطین،
- (۷) کمک به انزوای منطقه‌ای و جهانی ایران از طریق دیپلماسی، تحریم اقتصادی و تهدید نظامی،
- (۸) همکاری نظامی با رژیم صهیونیستی برای مدیریت و کنترل گروه‌های مقاومت به‌خصوص حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی.

## منابع

### الف - فارسی

- آران، امون، و آلدن، کریس (۱۳۹۳). *رویکردهای جدید در تحلیل سیاست خارجی*. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- اعجازی، احسان، و لکزی، مهدی (۱۳۹۹). «واکاوی علل ناکامی معامله قرن در ایجاد صلح»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۱۲ (۴۵)، ۷۳-۹۱.
- اور، تمرا بی. (۱۴۰۱). *منازعه فلسطین و اسرائیل*. تهران: ققنوس.
- پایه، ایلان (۱۳۹۶). *پاکسازی قوم فلسطین*. تهران: اطلاعات.
- پایه، ایلان (۱۴۰۱). *غلط مشهور درباره اسرائیل*. تهران: کتابستان معرفت.
- رضوی، سلمان (۱۳۸۸). *راهبرد اوباما در قبال رژیم صهیونیستی و تأثیر آن بر ملاحظات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*. نمای راهبردی. تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- گریفیتس، مارتین (۱۳۸۸). *دانشنامه روابط بین‌الملل*. تهران: نشر نی.
- گلجایر، جیمز ام. (۱۳۹۵). «تصمیم‌گیری سیاست خارجی». دنمارک، رابرت، در *بازدرآمدی بر تحلیل سیاست خارجی*. تهران: مخاطب.
- محمد صالح، محسن، و یوسف رضازاده (۱۴۰۱). *قضیه فلسطین*. تهران: انتشارات مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ملکی، محمدرضا، و ابراهیمی، فرزاد محمدزاده (۱۳۸۹). «روابط ویژه ایالات متحده- اسرائیل و سیاست خاورمیانه‌ای دولت باراک اوباما». *فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی*، ۲ (۷)، ۱۰۷-۱۳۶.

### ب - انگلیسی

- Abrams, E. (2013). *Tested by Zion: The Bush Administration and the Israeli-Palestinian Conflict*. New York: Cambridge University Press.
- ADL (2013). "U.S. Presidents and the State of Israel", March 14. <https://www.adl.org/resources/news/us-presidents-and-state-israel>
- Amr, H., Lustick, I., Kahwaji, R., Freeman, C. W. (2017). "New Approaches to Israel-Palestine Peace: Can Regional Powers Make a Difference?". *Middle East Policy*, XXIV (2), PP. 81-97.

- Aruri, N. (2011). "United States policy and Palestine: Oslo, the Intifada and erasure", *Race & Class*, Institute of Race Relations, 52 (3), PP. 3–20.
- Blackwill, R. D., Gordon, P. H. (2016). *Repairing the U.S.-Israel Relationship*. New York: Council on Foreign Relations.
- Bouris, D. (2015). "The Vicious Cycle of Building and Destroying: the 2014 War on Gaza", *Mediterranean Politics*, 20 (1), PP. 111-117.
- Brzezinski, Z. (2012). *Strategic Vision*. New York: Basic books.
- Burchill, S., Linklater, A. (2009). *Theories of International Relations*. New York: Palgrave.
- Choudhury, M. P. (2015). "The Sacred and the Secular: Influence of Religion on George W. Bush's Foreign Policy", *Jadavpur Journal of International Relations*, 19 (2), PP. 159–183.
- Congress (2023). "H.R.6126 - Israel Security Supplemental Appropriations Act", At: <https://www.congress.gov/bill/118th-congress/house-bill/6126?s=3&r=2&q=%7B%22search%22%3A%22H.+Res.+6126%22%7D>
- Congress (2023). "S. 2370 (109th): Palestinian Anti-Terrorism Act of 2006", At: <https://www.govtrack.us/congress/bills/109/s2370>.
- Congress (2023). "S. 2165 (112th): United States-Israel Enhanced Security Cooperation Act of 2012", At: <https://www.govtrack.us/congress/bills/112/s2165/summary>.
- Congress (2023). "S. 2673 (113th) United States-Israel Strategic Partnership Act of 2014", <https://www.govtrack.us/congress/bills/113/s2673/summary>.
- Dinesh, S., Silver, L. (2023). "How Americans view Israel, Netanyahu and U.S.-Israel relations in 5 charts", *Pew Research Center*, At: <https://www.pewresearch.org/short-reads/2023/08/21/how-americans-view-israel-netanyahu-and-u-s-israel-relations-in-5-charts/>.
- Dueck, C. (2015). *The Obama Doctrine American Grand Strategy Today*. New York: Oxford University Press.
- Durham, M. (2011). "The American Right and Israel", *The Political Quarterly*, 82 (4), PP. 609-617.
- Elgindy, K. (2019). *Blind Spot: America and the Palestinians, from Balfour to Trump*. New York: Brookings Institution Press.
- Feierstein, G. M., Guzansky, Y. (2022). "Two years on, what is the state of the Abraham Accords?". *Middle East Institute*, At: <https://www.mei.edu/publications/two-years-what-state-abraham-accords>.
- Freedman, R. O. (2017). "The Obama Legacy in the Middle East and the Trump Challenge", *India Quarterly*. 73(2). pp: 241–250.
- Gallup (2023). "Americans Back Israel's Military Action in Gaza by 50% to 45%", 30 November. At: <https://news.gallup.com/poll/545045/americans-back-israel-military-action-gaza.aspx>.
- Gerges, Fawaz A. (2013). "The Obama approach to the Middle East: the end of America's moment?", *International Affairs*, 89 (2), PP. 299–323.

- Gilboa, E. (2009). "Obama and Israel: A Preliminary Assessment", *Israel Journal of Foreign Affairs*, III (3), PP. 51-58.
- Guerlain, P. (2011). "The Israel lobby, American democracy and foreign perceptions of the USA", *Journal of Public Affairs*, 11 (4), PP. 372–381.
- Gui, X. (2017). "Which path the world might take: When Trump asserts "America First" but Xi advocates global cooperation", *Chinese Sociological Dialogue*, 2 (1/2), PP. 67-74.
- Hammer, M. (2023). "What to Know about U.S. Military Support for Israel's Gaza Offensive", *Time*, November 3, At: <https://time.com/6331133/israel-gaza-biden-military-support/>.
- Harr, R. (2010). "Explaining George W. Bush's Adoption of the Neoconservative Agenda after 9/11", *Politics & Policy*, 38 (5), PP. 965-990.
- Helou, A. (2023). "Any Saudi-Israeli normalization requires clearing major security, defense roadblocks: Experts", *Breaking Defense*, August 24. At: <https://breakingdefense.com/2023/08/any-saudi-israeli-normalization-requires-clearing-major-security-defense-roadblocks-experts/>
- Hixon, W. L. (2016). *American Foreign Relations; A New Diplomatic History*. New York: Routledge.
- Hollis, R. (2016). "Palestine and the Palestinians in British political elite discourse: From 'The Palestine Problem' to 'the Two-State Solution'", *International Relations*, 30 (1), PP. 3– 28.
- Hudson, Valerie M. (2014). *Foreign Policy Analysis; Classic and Contemporary Theory*. New York: Rowman & Littlefield.
- Indyk, Martin (2023). "Don't Abandon Two States", in "Can the Two-State Solution Be Saved?", *Foreign Affairs*, May 31, At: <https://www.foreignaffairs.com/responses/can-two-state-solution-be-saved>
- Jewish Virtual Library (2023). "Jewish Members of the 118th Congress (2023 - 2025)", At: <https://www.jewishvirtuallibrary.org/jewish-members-of-the-118th-congress>.
- Jewish Virtual Library (2023). "George W. Bush Administration: Remarks on Israel's Operation Cast Lead ", January 12, 2009, At: <https://www.jewishvirtuallibrary.org/president-bush-remarks-on-israel-s-operation-cast-lead-january-2009>.
- Jewish Virtual Library (2023). "George W. Bush Administration: President Bush Outlines Vision for Peace in the Middle East", (July 16, 2007), At: <https://www.jewishvirtuallibrary.org/president-bush-outlines-vision-for-peace-in-the-middle-east-july-2007>.
- Jewish Virtual Library (2023). "Trump Issues Executive Order on Combating Anti-Semitism", (December 11, 2019). <https://www.jewishvirtuallibrary.org/trump-issues-executive-order-on-combating-anti-semitism>.

- Klieman, A. (2016). "Israel and the US: Recalibrating in the Post-Obama, Pre-Trump Era", *Israel Journal of Foreign Affairs*, 10 (3), PP. 363-380.
- Lanoszka, A. (2016). "Goodbye to all that? Institutional theory, U.S. alliances, and Donald Trump", *Contemporary Security Policy*,
- Lieven, A. (2016). "Clinton and Trump: Two Faces of American Nationalism". *Survival*, 58 (5), PP. 7-22.
- Moyn, S. (2016). "Hope Hangover", *Juncture*, 23 (3).
- Oren, M. (2023). "Dangerous Delusion", in "Can the Two-State Solution Be Saved?", *Foreign Affairs*, May 31, At: <https://www.foreignaffairs.com/responses/can-two-state-solution-be-saved>
- Otterman, S. (2005). "Middle East: The Road Map to Peace, Council on Foreign Relations", In: <https://www.cfr.org/background/middle-east-road-map-peace>.
- Peralta, E. (2013). "Obama's Speech in Israel: 5 Excerpts You Should Read", NPR, <https://www.npr.org/sections/thetwo-way/2013/03/21/174938365/obamas-speech-in-israel-5-excerpts-you-should-read>.
- Rajiv, S., Samuel C. (2016). "Deep Disquiet: Israel and the Iran Nuclear Deal", *Contemporary Review of the Middle East*, 3 (1), PP. 47–62.
- Robinson, K (2023). "What Is U.S. Policy on the Israeli-Palestinian Conflict?". *Council on Foreign Relations*, July 12, at: <https://www.cfr.org/background/what-us-policy-israeli-palestinian-conflict>
- Ross, D. (2015). *Doomed to Succeed; The U.S.-Israel Relationship from Truman to Obama*. New York: Farrar, Straus and Giroux.
- Santucci, J. (2029). "King of Israel' and a Trump tower in Greenland: Here's what Trump had to say this week", *USA Today*, <https://www.usatoday.com/story/news/politics/2019/08/24/trumps-claims-week-king-israel-chosen-one-china-trade-war/2093627001/>.
- Satloff, R. (2023). "The No-State Solution", in "Can the Two-State Solution Be Saved?", *Foreign Affairs*, May 31, <https://www.foreignaffairs.com/responses/can-two-state-solution-be-saved>.
- Sharp, J. M. (2023). "U.S. Foreign Aid to Israel, Congressional Research Service", At: <https://sgp.fas.org/crs/mideast/RL33222.pdf>
- Tal, D. (2022). *The Making of an Alliance*. New York: Cambridge University Press.
- Van Evera, S. (2006). "Bush Administration Weak On Terror". *Middle East Policy*, 13 (4), PP. 28-38.
- Viotti, P. R., Kauppi, M. V. (2012). *International Relations Theory*. New York: Longman.
- Waxman, D. (2009). "From Jerusalem to Baghdad? Israel and the War in Iraq", *International Studies Perspectives*, 10 (1), PP. 1–17.
- Waxman, D. (2011). "Israel's Palestinian Minority in two state solution: the Missing Dimension", *Middle East Policy*, 28 (4).

- Youssef, H. (2021). “10 Things to Know: Biden’s Approach to the Israeli-Palestinian Conflict”, *United States Institute of Peace*, At: <https://www.usip.org/publications/2021/06/10-things-know-bidens-approach-israeli-palestinian-conflict>.
- Zoughbie, D. E. (2014). **Indecision Points**. Cambridge: Belfer Center for Science and International Affairs.
- Zunes, S. (2014). “The United States: a hegemon challenged”. In Imael, Tareq Y and Perry, Glenn E. (Eds). *The International Relations of the Contemporary Middle East*. New York: Routledge.
- Slater, J. (2015). <http://mondoweiss.net/2015/04/terrorism-palestinian-argument>.